



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مقدمات

تاریخ: ۱ آبان ۸۹

موضوع جزئی: سیر تدوین حدیث نزد اهل سنت

مصادف بلا ۱ ذی القعدة ۱۴۳۱

جلسه:

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته:

مقدمتاً درباره تاثیر و نقش حدیث در علوم اسلامی نکاتی را عرض میکنیم تا معلوم شود که میزان تاثیر به چه اندازه بوده و نقش محوری آن مشخص شود. این مباحث به صورت اجمال مطرح میشود.

در ابتدا دانش اسلامی منحصر در قرآن و سخنان پیامبر (ص) بود، بعدها که دانشمندان اسلامی در رشتههای مختلف وارد شدند اعم از ادبیات، تاریخ، سیره، اصول، فقه، کلام و حتی حکمت آنگاه همه این علوم با حدیث توأم شد. به نحو اشاره در مورد تاریخ و سیره عرض میکنیم که این دو علم شعبهای از حدیث بودند یعنی کتب حدیثی به بیان مسائل تاریخی و سیره پیامبر (ص) میپرداختند و هنوز هم در برخی کتب حدیثی مثل صحیح بخاری اینها از هم جدا نشده و احادیث در کنار بیان سیره پیامبر و مسائل تاریخی قرار گرفته است و احادیث هم معمولاً با سلسله سند در این کتب نقل میشدند.

در علوم ادبیات در ابتدا اگرچه استشهاد به حدیث کم بود ولی به مرور توسعه پیدا کرد گرچه بیشتر استشادات به آیات قرآنی و اشعار بود که از قدیم رایج بوده ولی به مرور مشاهده میشود که استشهاد به احادیث هم در ادبیات عرب زیاد شده است. البته این مسئله در ادبیات فارسی بیشتر است. متون نثر یا نظم، اشعار شاعران بزرگ مانند مولانا، سعدی و حافظ اکثراً ریشههای قرآنی و حدیثی دارند. تفسیر در ابتدای امر مبتنی بر منقولات روایی بود و این بحثهای تفسیری بعدها توسط مفسرین مطرح شد و کتب متعددی نوشته شد ولی در ابتدای امر بیشتر به منقولات روایی و حدیثی اکتفا میکردند. لذا به شعب مختلف علوم اسلامی که نگاه میشود به نقش اساسی و محوری حدیث پی میبریم. در فقه و اصول این مسئله جلوه بیشتری دارد در مسائل مختلف احکام منابع مهم این استنباط روایات و احادیث هستند، لذا واقعاً حدیث یک تأثیر بسیار مستقیم و مهم در فقه و کلام و سیره و تاریخ اسلام دارد. در برخی علوم تأثیرات غیر مستقیم است و در برخی از علوم مانند آنچه ذکر شد تأثیرات مستقیم است.

### تعریف علم الحدیث:

علم حدیث علمی است به سبب آن احوال سند و متن شناخته میشود. این دو جهت در تعریف مهم است یعنی بخشی از علم حدیث مربوط به متن و بخشی از آن مربوط به سند حدیث است، براین اساس علم الحدیث به دو شاخه اصلی

تقسیم میشود: علم روایة الحدیث و علم درایة الحدیث. آنچه که مربوط به سند یا سلسله ناقلان حدیث میباشد اصطلاحاً به آن روایة الحدیث یا اصول الحدیث میگویند و آنچه مربوط به فهم کلام معصوم است به عنوان درایة الحدیث شناخته میشود.

روایة الحدیث علمی است که از کیفیت اتصال احادیث به معصوم از جهت احوال روات و یا از لحاظ کیفیت سند بحث میکند. منظور از احوال روات یعنی اینکه روات اهل ضبط هستند یا نیستند، عادل هستند یا نیستند، ثقة هستند یا نیستند و آنچه که مربوط به کیفیت سند است مثل اینکه بگوئیم سند متصل است یا منقطع. پس علم روایت الحدیث به دو شعبه تقسیم میشود: علم به احوال روات و علم به کیفیت سند. اگر از احوال یک یک رجال سند بحث شود به نحو مستقل از حیث عدالت، وثوق، اعتماد، ضبط، این به عنوان علم رجال شناخته میشود و اگر از کیفیت نقل حدیث توسط روات به جهت اتصال و انقطاع زنجیره حدیث یا داشتن سند و ارسال و مانند آن بحث شود از آن به عنوان مصطلح الحدیث نام برده میشود و گاهی از آن به درایه تعبیر میگردد.

پس ببینید فرق بین رجال و درایه یا مصطلح الحدیث طبق این اصطلاح چیست؟

در درایه از احوال سند حدیث به نحو اجمال بحث میشود و در رجال از احوال روات به نحو مستقل بحث میشود و به عبارت دیگر بحث در علم درایه کبروی و در علم رجال صغروی است، این یک تعریف مورد اتفاق و قبول همه شاید نباشد به عنوان نمونه مثلاً شهید ثانی در تعریف درایه این طور بیان میکند «درایة هو علم یبحث فیه عن متن الحدیث و طرقة» علمی که در آن از متن حدیث و طرق حدیث بحث میکند، طرق یعنی شرائط قبول و رد و براین اساس میفرماید موضوع درایه راوی و مروی است. این تعریف با تعریف ما متفاوت است. البته تعاریف مختلفند اما برای اینکه آشنایی اجمالی با این تعابیر پیدا بکنیم خلاصهای از مطالب را عرض میکنیم.

**نتیجه:** پس تا اینجا معلوم شد علم الحدیث دو شعبه اصلی دارد یکی روایة الحدیث یا اصول الحدیث و یکی درایة الحدیث که علم روایة الحدیث دو شعبه دارد علم رجال السند یا تاریخ رجال و علم مصطلح الحدیث که درایه نیز به آن میگویند. شعبه دیگر درایة الحدیث یا فقه الحدیث علمی است که در مفاد الفاظ متن حدیث مثل شرح لغات حدیث، بیان اطلاق و تقييد حدیث، عموم و خصوص و داشتن معارض و امثال آن بحث میکند که به این فقه الحدیث گفته میشود.

پس علم حدیث در یک تقسیم کلی میشود علم روایة الحدیث و علم درایة الحدیث، روایة الحدیث تقسیم میشود به رجال و درایه، و آنچه مربوط به متن است به عنوان فقه الحدیث شناخته میشود. این شعب اصلی علم الحدیث است. البته شعب فرعی هم زیاد دارد یعنی الآن در علوم حدیث رشتههای مختلفی وجود دارد که هر کدام به عنوان یک علم شناخته میشود مانند علم ناسخ و منسوخ که یکی از علوم و رشتههای مربوط به علم الحدیث است، علم به وضع و جعل و مواردی که بالغ به چند رشته میشود که از همه اینها بحث نمیکنیم و فقط معلوم بشود که رجال به عنوان

موضوع بحث است و به ضمیمه آن درایه جایگاه اینها در مجموعه حدیث کجاست و به چه جنبه و چه حیثی از علوم حدیث مربوط میشوند آنچه محل بحث ما است آشنایی با رجال و درایه است. یعنی آشنایی با یک بحث کبروی مربوط به نقل حدیث و یک بحث صغروی مربوط به نقل حدیث و آشنایی با آنچه که مربوط به یکایک رجال سند از حیث وثاقت و عدالت و امثال آن است و آنچه که مربوط به کیفیت نقل حدیث از حیث اتصال و انقطاع و داشتن سند و یا ارسال سند و امثال آنها است. لذا این دو را تلفیق میکنیم.

«والحمد لله رب العالمین»